

تابود باد امپریالیسم جهانی
سرکردگی امپریالیسم آمریکا
وبابگاه داخبلش

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

صفحه ۱۶

تیر ماه ۱۳۶۵

سال هشتم - شماره ۲۰۳

اجتناب ناپذیری تشدید بحران اقتصادی

نخست وزیر جمهوری اسلامی در اوایل ماه جاری در یک گفتگوی رادیویی شرکت کرده تا بر نامه های رژیم را برای مقابله با تشدید بحران اقتصادی که در پی سقوط نسبت نفت در بازار جهانی و کاهش شدید درآمدهای ارزی رژیم پیش آمده است توضیح دهد. اما در واقع اوضاع برنامه های

در این زمینه ارائه شده اند بلکه تلاش اصلی اش این بوده که بر فلاکت و ورشکستگی رژیم سرپوش بگذارد و ضمن انتقاد به جناح های رژیم که بر اثر تشدید بحران اختلافات درونی، جنبه های ارتجاعی و فاجعه فلکتابار اقتصادی را بر سر سرافراز کرده اند.

سرمقاله

تهاجم قبل از توفان

اتحادیه های سوسیالیست و کمونیست جنگ از سوی رژیم جمهوری اسلامی، دستاویز و بی اساسی حاصل از آن، به حلقه اصلی در تحولات آینده نزدیک تبدیل شده است. طی این ماه، فعالیتات رژیم مقدماتی نسبت به بکسره کردن کار جنگ و سوسیالیستیک نظامی جنگه آشکار شده است. تشدید بمبارانهای هوایی از سوی رژیم ایران و عراق پس از از سر برداشته شدن جبهه میانه، از آثار نخستین سیاست سوسیالیستیک نظامی جنگ است. کشتار و ویرانی محلی است که نه تنها اقدامات صیادانه، بلکه برای آماده سازی و نیز فرود خواهد شد. رژیم جمهوری اسلامی با اتکال به سیاست بکسره کردن کار جنگ در سال جاری نه تنها دامنه جنگ را گسترش خواهد داد و بر انبوه کشته ها و نابودی امکانات مسلمان جامعه خواهد افزود، بلکه با تسلط بر سرافراز کرده اند.

طبقه کارگران ایران، امروز با یک معضل عظیم اجتماعی در آمادگی بسیار گسترده و وسیع و تاجرانگیز مزاجدات و آن موج روبه گسترش و شتابنده اخراجهای گروهی با دسته جمعی و بیگاری دم آبرون کارگران و خطر تضییع آن زمینه های سوسیالیستی است که بر سر آن شکل سازمانی سیاسی در صحنه ۶

عملکرد سرمایه تجاری و فقر روز افزون توده ها

که عمدتاً منافع منافع اشکال ترین بخش بورژوازی و اقطاع و استبداد است. علاوه بر بحران اقتصادی، شکاف میان درآمد توده های اسیر و حاکمان در سرافراز شده اند. از افراد ما مدعیان سرمایه داران را عمیقتر میکند. سرمایه فقر و فلاکت روز افزون کارگران و زحمتکشان، نیروهای عظیمی در دست بخش سرمایه داران متمرکز میگردد. اما فقر روز افزون توده های مردم و در صحنه ۴

باز هم درباره ضرورت سازماندهی کارگران

بحران اقتصادی حاکم بر ایران که با کفایت هر روز عمیق و وسعت بیشتری می یابد، اثرات مخرب و ویرانگر خود را بیش از همه طبقات و اقشار زیر طبقه زندگی طبقه کارگر برای گذاشته است. و خاتمه نسبی و مطلق وضعیت طبقه کارگر به حدی رسیده است که طی سالهای اخیر هرگز سابقه نداشته است. به نظر سوسیالیست کارگران از درآمد ملی کاهشی یافته و بر سر سرمایه داران و سرمایه داران در صحنه ۵

اخبار آجندای سوسیالیستی

و

کمیته کارخانه

یادداشت های سیاسی

- ۱- تضادهای درونی جنبه حاکم ایران نرسود
- ۲- اتکال به خدا باید تلاشی می
- ۳- سکوت کار حکومت های دیکتاتوری نکان است

همراه با ضمیمه خبری

دو تاکتیک

در مقابله با اخراج های دسته جمعی کارگران

تمهیل پس در پی کارخانه ها و موج اخراج های دسته جمعی کارگران، سرافراز یک سئله صرم که جنبش طبقه کارگران مواجه است، توجه نیروهای سیاسی راه خود معطوف گردانده است. در این میان، تاکتیک های مقابله با موج اخراج های دسته جمعی، تاکتیک های خود را پیدا ووی نیست کارگر قرار دهند. در اینجا ضمیمه هر فنظر از راه حلها و روش های تاکتیک های دسته جمعی کارگران را خود میسبب و واکنش نشان

برای برقراری صلحی دمکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم

کردن تمامی فرم‌های رسدگی اجسامی؛ سیاست تمهین تکلیف قطعی جنگ راه‌گرا، کما تحولات قریب‌الوقوع مبدل مسازد، رژیم، خودپیش از هر زمان دیگری توده‌ها را به تمهین تکلیف با جنگ و حکومت فرا میخواند. رژیم برای پیشبرد این سیاست جنگی عمدتاً بر امواج نیروی انسانی و گمنامی جنگ در جبهه‌های زمینی متکی است. الزام پیشبرد این سیاست مبتنی است بر بحران حاد اقتصادی و ورشکستگی مالی و گمنامی مسائل و ابزار آلات جنگی و ضعف نیروی هوایی. در مقابل رژیم عراق، عمدتاً با تکیه بر نیروی هوایی به جنگ ادامه میدهد. برآیند نتیجه این دو سیاست جنگی برای مردم ایران و عراق کشتار و از بین رفتن امکانات مادی جامعه است. در حقیقت سیاست تمهین تکلیف قطعی جنگ بر زمینه توازن موجود بین سیاست جنگ می‌رود که به تمهین تکلیف با توده‌ها و منابع مادی جامعه تبدیل شود. و همین خود متفادهای اجتماعی را بر برتری بحران انقلابی حاکم بر جامعه نقطه انفجار نزدیک تر می‌سازد. هر چند این سیاست متحد از سوی رژیم خودناشی از پیش‌بینی وضعیت انفجاری قریب‌الوقوع مسازد و لذا بدون اعمال این سیاست تهر تادهای آنچنان درجهای از حدت خود رسیده است که جامعه آستان تحولات اساسی باشد. اما اعمال این سیاست آنچنان متفادهای اجتماعی را فشرده می‌سازد که فقط لحظه انفجار قریب‌الوقوع را بجلو می‌اندازد. بلکه به آن حدت و شدت بیشتری میبخشد.

نیاجم قبل از نفاق

رژیم را نیز سازگار با نیازها ندارد. از اینروست که رفسنجانی مطرح نمود تنها راه حل مناسب برای مقابله با فشارهای اقتصادی موجود که همه چیز را تهدید به نابودی میکند، تمهین حرکت بگونه است که با در نظر گرفتن ورشکستگی مالی و قبل از آنکه طوفان اصلی از راه برسد، جنگ با پیروزی به اتمام رسد. تمهین جمهوری اسلامی در کسب حداقل چندین پیروزی بزرگ نظامی، در حقیقت تنها راهی است که اینک رژیم، تعداد و همین حیاتیات بی ثبات خود را در آن میبیند. چرا که تشدید بحران اقتصادی که به بحران انقلابی حاکم بر جامعه مرتباً ادامه می‌دهد، به نفع ایامی نزدیک می‌شود که دیگر سخن از مهار کردن آن امری بی‌فایده است. ساله، اما، فقط این نیست که سیاست فرار سیدن ورشکستگی کامل اقتصادی، تا همین هزینه‌های جنگ نا میسر می‌شود. این فقط یک سوی قضیه است. ساله این نیز هست که سیاست فرار سیدن آن ورشکستگی قریب‌الوقوع و اوج گیری جشن توده‌های رژیم که از درون تیراهم گسیخته است، توانا نشی کنترل اوضاع را بکل از دست بدهد. هیأت حاکمه خوب میدانند که نمیتوانند هم جنگ داخلی بر علیه توده‌ها را ایجاد کنند و هم موسی آن به پیش برود هم جنگ ایران و عراق را. پس رژیم "قبل از آنکه فتنه اقتصادی بخارها اثر خودش را بگذارد" میخواند: اولاً، "جنگ راه‌اتمام" برساند و با حداقتل پیروزیهای چشمگیری کس کند. و برای این منظور، اکنون، باید به هیچ وسیع نیروی سپرد از توانایی امکانات جامعه را در خدمت جنگ قرار دهد. و توانا از طریق، گامال جنگ در همین حال با سلسله تیره کردن جامعه و گسترش ارگانه‌های سرکوب، خود را برای سرکوب توده‌های زمانی که "فنا را اقتصادهای خود را" می‌کند، یعنی زمانی که طوفان فرا میرسد، آماده نماید.

بر اساس پیش‌برد این سیاست جنگ و سرکوب، امکانات جامعه پیش از پیش در خدمت جنگ قرار میگیرد و فشار برای اعزام اجباری به جبهه‌ها حدت بی سابقه‌ای می‌سازد. تدارک تشکیل ۵۰۰ گردان از سوی سپاه پاسداران اعلام میشود، کارخانه‌های بیشتر به خدمت جنگ در می‌آید، هر روز خمر کشتار

با یکا‌های سا در سبزه‌های مختلف می‌سازد. محسن رضائی بخش مسعود، خامه‌ای اعلام میکند که بر اساس تمهین شورای عالی پشتیبانی جنگ از این پس کلیه تصمیمات ستاد پشتیبانی جنگ استانیها برای کلیه ادارات لازم‌الاجرا است. بر اساس بخشنامه‌ای که از سوی نخست وزیر مامور شد کلیه وزارت خانه‌ها، موسسات و شرکت‌های دولتی موظف میشوند که رفسندان و کارکنان خود را با تمهین وفراط فرمانده سپاه پاسداران در اختیار سپاه قرار دهند، بیش از ۷۰ درصد از امکانات شهرداریها در خدمت جنگ قرار می‌گیرد. حرکت در جهت سلسله تیره کردن جامعه شدت می‌گیرد، بخشهای کوناگون بسیاری دستگیری مسئولین غایب و اعزام اجباری آنها به جبهه‌های جنگ تشکیل میشود، سپاه، کمیته شهریاری و ژاندارمری برای دستگیری مسئولین سیج مسعود، در حقیقت مسئول رژیم این است که چگونه جبهه‌ها را از نیروی انسانی بر کند. مقاومت در برابر اعزام اجباری به جبهه‌ها شدت می‌گیرد و فشار رژیم مقاومت توده‌ها را تشدید میکند.

در حقیقت سیاست تمهین تکلیف قطعی جنگ بر زمینه توازن موجود بین سیاست جنگ به تمهین تکلیف قطعی با وضعیت موجود تبدیل میشود.

رژیم جمهوری اسلامی توانا نشی سیج آن تعداد نیروی انسانی را برای پیشبرد سیاست امواج انسانی ندارد که بتواند به شکستن بین سیاست جنگ و پیروزی قطعی ناشی آید. و اساساً توازن قوای دو طرف سیاست قدرتها امیربالیستی و سر موضوع کشورهای سوسیالیستی چنین زمینه‌ای را برای پیروز هموار نمی‌سازد. بین سیاست جنگ همچنانا دام خواهد یافت و سیاست تمهین تکلیف قطعی جنگ فقط در چارچوب بین سیاست جنگ برگشتار و ویرانی خواهد افزود.

اتحاد سیاست جدید جنگی رژیم، هر چند تمهین تیره بین سیاست جنگ غلبه نموده اما تبدیل ترانسی که اکنون بر جامعه حاکم است و از جمله بحران تشدید اقتصادی، بالا گرفتن اختلافات ما بین جناح‌های هیأت حاکمه، گسترش موج نافرمانی توده‌ها و فقر و فلاکت عمومی که بطور وحشتناکی بر اقتصاد آن مداوم افزوده میشود، خود به سلسله اصلی در تحولات قریب‌الوقوع عمل میکند. تهاجم جدید رژیم، تهاجم قبل از فرار سیدن طوفان است. باید برای طوفان آماده شد.

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلفهای ایران است



کرده اند، از آنها خواست که از انسان جناس
بهریزند، اما کوبا زخامت اوضاع اقتصادی
امریکا را کما فی السابق در نظر آن
سرپوش گذاشت، این زخامت اوضاع در سر
لحظه در ادرت تمام عرصه های زندگی انتادی
جامعه و شرایط زندگی نوده های مردم، شان
سیده مردم ایران مستقل از اینکه - ران
رژیم بحواسها بحواس، رسد، رسد، بسن
بحران آگاهند، چرا که عملا در معرض اثرات و
نتایج ویرانگر آن قرار گرفته اند.

نخست وزیر جمهوری اسلامی در آغاز
صحت خود با هوا فیزیکی کم نظیری که مختص
سران رژیم جمهوری اسلامی است اما منکر
و خامت اوضاع گردید و حتی شد "الطاف
غنیه خداوندی" دوباره شامل حال مردم
ایران شده و باران "رحمت" آن "بر سر مردم
باریدن گرفته است، او گفت: " ای بسن
آشناقی که افتاده از الطاف غنیه خداوندی است
و باقیین داریم که با شین آمدن قیمت
نفت نه تنها باعث نکت نظام ما نخواهد
شد بلکه جهت های جدیدی را در اقتصاد ما
آبجا خواهد کرد و حرکت ما را به سمت تحقق
آرمانهای قید شده در قانون اساسی شریع
خواهد نمود و ما را زیر پرده استغسال
اقتصادی پیش خواهد برد، ما در همین مدت
کوتاه یک شکوفائی گسترده و مردمی را در
افتخار خودمان میبینیم ". ملاحظه میکنید!
فنا گویه که جنگ، کشتار، ویرانی و
سبه روزی مردم ایران "رحمت الهی" است
یکی دیگر از الطاف غنیه خداوندی نسبت به
مردم ایران کاهش قیمت نفت سرازیر شدن
فرجه بیشتر حاصل دسترنج کارگران ایران
به جهت انعامات بین المللی و تشدید

بحران اقتصادی، بیکاری، فقر و گرسنگی، کمبود
ما به محتاج روزمره مردم، امزای
روا افزون قیمت کالاها و غیره و غیره است
حقیقتا که "رحمت" و "الطاف غنیه خداوندی" از
همه سو بر مردم ایران باریدن گرفته است!
چه معجزات و کراماتی از این "خدا" ساحت
نیست! "رحمت" آن جنک و کشتار است و
"الطاف غنیه" آن "بحران، فقر، گرسنگی،
بیکاری و... و به راستی "این همسان
نگوفا می گسترده و مردمی در اقتصاد"
استقلال اقتصادی" است که در قانون اساسی
جمهوری اسلامی نیز قید شده است. اما
این هوا فیزیکی هادیگر کارساز نیست.
بحران اقتصادی مادی نیروی رجم ترار آن
ست که بنوان ما این اراحت انکار کرد
و با مهارش نمود. بحران عواقبش را که

اجتناب ناپذیری.

تشدید بحران اقتصادی

بیکاری در اقتصاد ملیونی، توقف تولید و با
کاهش آن، کمبود کالاهای مصرفی، گرانسی
روا افزون قیمت کالاها، صف های عریض و
مؤیل ما محتاج اساسی مردم، و خامت اوضاع
کثا وری، و فقر و فلاکت روز افزون آشکارا
به نمایش گذاشته است، اینجاست که دیگر
از دست "خدا" هم کاری ساخته نیست، و
هزاران آبه و آدمیه نیز قادی نیست شکم
ملیونتها بیکار و گرسنه ای را که بحسبان
اقتصادی برابما د میلیونی آنها افزوده
است بزرگند. و همین نکته است که نه تنها
نخست وزیر جمهوری اسلامی بلکه تمام بحران
و دست اندرکاران رژیم را به وحشت
انداخته است، بیسی دلیل نیست که
نخست وزیر جمهوری اسلامی از همه جناها
هیئت حاکمه میخواهد از بار گور کردن حقایق
اوضاع اقتصادی و آنچه که ممکن است بر
دامنه اغراض نوده ها بیافزاید بهره بزند
اما بحران همه ارکان زندگی اقتصاد
جامع را زار کرده است، بحران مرصن
ور شد در کتونی که در سراسر دوران حکومت
جمهوری اسلامی بیوسته تداوم داشته است
نتیجه ناگزیر ما خت سرما به داری و استبه
ایران و رژیم سیاسی حاکم بر ایران است.
این بحران با شیوه های معمولی حل نمیشود
بلکه نیازمند یک رشته تحولات و دیگر گواهیها
بنیادی و انقلابی است.

جمهوری اسلامی طی چند سال گذشته
تنها با اتکاء به درآمدهای کلان نفتی
توانسته است خود را بر سر پا نگهدارد، اما
قادر نبوده و نسبت این بحران را حل کند.
نتیجتاً نقش نفت در دوران رژیم جمهوری
اسلامی حتی نسبت به دوران رژیم شاه سیر
در اقتصاد ایران و تمام اروری و مالیاتی
دولت بسترنده است، بحوری که درآمدهای
دولت اساساً متکی به نفت است، از سرورد
نیاز اساساً از طریق فروش نفت تامین میگردد،
و صادرات نفت در کل ارزش صادرات ایران
بیش از ۹۵ درصد است، روشن است در چنین
کشوری که اقتصاد آن اساساً بر پایه تولید
معمول و ادب معنی نفت قوام گرفته و تمام
شرایط اقتصادی جامعه منتهوی از آنها،
مستقیم و غیر مستقیم وابسته به درآمدهای
حاصل از فروش نفت است، که این قیمت نفت
و با استنحه درآمدهای نفتی رژیم تحولات

ادبای محسوس و سررزم جنان ناشیری بر
کل اقتصاد بحران خواهد گذاشت و به بحران
اقتصادی موجود جنان اسعادی خواهد بخشید که
هرگز سابقه ندانده است. این کاهش
درآمدهای نفتی ارکان موجودیت رژیم را
در هم خواهد ریخت، تولید را در کارخانه ها
و صنعت مونتاژ متوقف خواهد ساخت، بخش
خدمات را که نقش زیادی در اقتصاد داشته
ایران دارد بکلی در هم خواهد ریخت، بخش
کثا وری را با بحران و از هم گسیختگی
بیشتری روبرو خواهد ساخت، دولت را از نظیر
مالی و تامین هزینه های کلان دستگا به نظامی
بوروکراتیک و ماشین جنگی و سرکوب سا
دشواری کم سابقه ای روبرو خواهد ساخت.
سیستم بازرگانی داخلی و خارجی رژیم را با
هراج و مرج و از هم گسیختگی مفروضی روبرو
خواهد ساخت، نظام مالی رژیم را با بحران
همه جانبه روبرو خواهد ساخت و خلاصه کلام به
بحران اقتصادی موجود در تمام جنبه های آن
چنان ابعادی خواهد بخشید که بی سابقه
است، نخست وزیر جمهوری اسلامی در سخنرانی
خود کوشید که کاهن سهای نفت را در وضعیت
اقتصادی رژیم ناجیر جلوه دهد که گویا سا
چند میلیاردر تمام "صرفه جویی" و گسیختن
چندین کانال آبرسانی میتواند استخراج
سازد، در حالیکه اگر قیمت نفت از آنچه که
امروز هست بیشتر کاهش پیدا نکند و بشرط این
که رژیم بتواند روزانه بطور متوسط دو
میلیون تنگه نفت صادر کند، امری که سا
توجه به ادامه جنگ در خلیج و بمباران
تاسیسات و محموله های نفتی رژیم با دشواری
امکان پذیر است، تازه رژیم رسمی در حدود هفت
میلیار دلار بدست خواهد آورد که حتی کفاف
هزینه های سرعام آرزو رویه گسترش ماشین
عظیم جنگی و سرکوب آرا میدهد، روشنائت
که رژیم قبل از رهبری ما بدات نفتی خود را
صرف تا همین مخارج و هزینه های جنگی خواهد
سجود و نه تنها از این هزینه ها نخواهد کاست
بلکه تا لکنش روز بروز در حال امزایش آمد.
حجت و بر رژیم در این مورد میگوید:
"اولین هدنی که ما اعلام کردیم تا مبین
کلیه نیازهای جنگ نمحلی بود، اسلام
این هد با این معیار ادا رده که ما در بودجه
نعمت ارز، نعمت منابع ملی - وواگذاری
کارخانه ها و تاسیسات ماشین آلات و همه
چیزمان هیچ قیدی نادمکن برای قسار
دادن این امکان در خدمت جنگ نداشته
باشیم، ملاحظه اثرات این تصمیم گیری
این سده که فرما و نشک ما آمدیم ۶۲ میلیار
در صفحه ۸

زنده بباد استقلال طبقاتی کارگران

عاشق جمع ثروت در دست نهادم و دی
سرمایه داروانگلیهای اجتماعی، حتی در آن
ندکه درآما رو ارقام دولتی و شریکسات
استه به حاکمیت استکراسیستاد، ستان
عده است :

بنابراین ما بانک مرکزی بطور مثال در
سال ۶۲، ۱۰ درصد جمعیت کشور یعنی ۲/۲
میلیون نفر از زحمتکشان درآمد ماهانه ای
برابر ۱۸۰ تومان، یعنی روزانه ۶ تومان
اشته اند .

در همین سال درآمد ۴ درصد از جمعیت
ظرف متوسط ماهانه ۳۰۰ هزار تومان
برآورد شده است. بنابراین ماهانه درآمد
رصد افراد جامعه بیش از ۱۶۰۰ برابر در
داز جمعیت کشور بوده است .

این آمار و ارقام که تنها گوشه‌هایی
ز واقعیت را در خود دارد، تفاوت هولناکی
نه میان درآمد اکثریت عظیم افراد جامعه
به خود فریبندگان ثروتمند یا اجتماعی هستند،
اقلیت استعمارگر و لگرمه که تنها بسه
تکاء، تملک ابزار تولید و اهرهای قدرت
بسیار، درآمدهای اجتماعی را در اختیار
نوده میگیرند، نشان میدهد. این آمار نشان
میدهد که به بهای خانه خرابی و فقر روز افزون
ارگران و زحمتکشان، سرمایه بسه داران و
نگلهای اجتماعی بخش هر چه بیشتر از
آرامد ملی را نصیب خود میسازند .

شکاف میان درآمد کارگران و زحمتکشان
زیکسو و اقلیت استعمارگر و لگرمه که
بجای جمع آوری دیگر (دوقطبی شدن جامعه)
بسه در نظام سرمایه داری دارد که حاکمیت
زیم جمهوری اسلامی هم به زبان نابرابری
کلی به آن دامن میزند .

این درست است که با توسعه سرمایه داری
رو به فقیر شدن نسبی (مطلق) پرولتاریا
ریان میباید و انباشت سرمایه، نابرابری
اجتماعی را نیز افزایش میدهد. اما در
ایمه ما بویژه از سال ۵۷ تا کنون نابرابری
اجتماعی به چنان حدی رسیده و نهادهای
سختی چنان تشدید شده است که جامعه را در
سنانه یک انفجار قرار داده است .

اگر با تسلط ورشد مناسبات سرمایه
اری در ایران بجای مده دوقطبی شده و کارگران
زحمتکشان با فقر و فلاکت روز افزونی مواجه
ده اند و طبقات استعمارگر حاکم با تملک
زرفش افانی و در اختیار داشتن سخت به توان
لخه و اطمینان به یوندمیان تک تک اجزای
سنانه دواسته ایران با سرمایه های
بیربالیستی بشراط با ز تولید سرمایه
ارانه را حفظ میگردند، پس از قیام بهمن ۵۷
سن عمدتا انگل ترین و عقب مانده ترین
بخش پروروزی بود که با تخییرترکیب

تخلی کردن سرمایه تجاری

دفع روز افزون توده ها

سیاسی حاکمیت، سرمایه حاکم خود تولید
سخت را سرمایه تجاری در جهت گسترش سطح
همه جا بسه خود بکار گرفت. و هر چند تنها بسه
گفته موسوی نخست وزیر، دولت از طریق تسخیر
بسیار دستمندان، بهینا شهید و سازمان
منابع ملی ۸۰۰ در صد اوجهای تولیدی
صنعتی را در کنترل خود دارد، اما حاکمیت با
وجود در اختیار داشتن اکثریت واحدهای
تولیدی، بدلیل ماهیت دلال متنی اش، عملا
سرمایه ها را بسوی رشته های غیر تولیدی و
همانا انگل ترین بخش آن هدایت و گاتالیز
مینماید .

بنابراین ما دولتی سهم بخش خدمات
در تولید ناخالص ملی که در سال ۴۲/۵۰۵۴ در
میدود، اکنون به حدود ۵۳ درصد رسیده است .
در تفکیک آمارهای بخشهای مختلف خدمات از
قبیل رستوران و هتلداری، حمل و نقل،
انبارداری، تجارت و ارتباطات، تفریح و تفریح
که در حالیکه سهم بخش خدمات بطور کلی در
تولید ناخالص ملی به ۵۳ درصد افزایش
یافته است، اما در همان حال بجز تجارت مهم
نا بر ارقام بخش خدمات با نسبت به نالیهای
گذشته کاهش نشان میدهد و با احداث
مانده اند. بدینسان اینها در تفریح و تفریح
بخش تجارت در مجموع تولید ناخالص ملی
آنگار میگردد .

با افزایش سهم خدمات و اما با تجارت
در تولید ناخالص داخلی سهم بربخشیها از
جمله بخش صنعت، کشاورزی، ساختمان و ...
کاهش یافته است .

آمار و ارقام مذکور نه حاکمیت رورنگستی
صنایع و انهدام بخش کشاورزی است، در این
رابطه باید یاد آور شد که بجز سرکشیست
طفاقی همت حاکم، سرمایه ای که در تملک
سهم و مسازده طفاقی پرولتاریا بسه
رشته های بیبوند اقتصادی با اقتصاد
امیربالیستی وارد ساخت و بحران انقلابی
حاکم سرمایه، موانع حدی بر سر راه تولید
رسان تولید در صنایع و استبداد بران در جبار
چوب مناسبات سرمایه داری ایجاد میسازد .
بدوز سرمایه دارانگالی که در اید علاقه بسه
نخست خرددهی کوتاه مدت، اطمینان از تداوم
این سوددهی را تخییر در برداشته اند، متولیت
و با بسا رنگتکت، عدم وجود "سخت سرمایه
سرمایه گذاری در بخشهای صنعتی و کشاورزی
کاهش داد و تفریح سودبالی بخش خدمات و تجارت

سرمایه ها را بوجود حدت کرد. در بخش کشاورزی
تسری بدلیل عدم سوددهی، سرمایه های
بخش مدظرف خرید و فروش کالا را بربسته
بسیس جهت تسری روز افزون انباشت سرمایه
ضروردها نشان. آنان را در جستجوی راهی
برای تا مین حداقل صمشتان روانسته
حاشیه شهرها نموده است .

سیاستهای حاکمیت که ناشی از ماهیت
دلال متنی آن میباشد، بهر سه ورنگتکتگی
بخشهای تولیدی و رسته سرمایه آور بخش خدمات
را سرعت بخشید. بنا به ماهیت انگلی و عقب
مانده پروروزی حاکم، اگر چه اکثر سرمایه ها
واحد، موسسات تولیدی و اموال نگاه و
وابستگان دربار، اینها ز در قالب موسسات
جدیدی از قبیل بنیاد مستضعفان، بنیاد شهید
و ... در دست دولت متمرکز شد، اما این بخش
تجارت است که روز پروروز سهم بیشتر از
تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده
است. در واقع دولت هم اکنون به خریدار و
فروشنده کالا تبدیل شده و تمامی سیستم را
نبر به خدمت اهداف خود گرفته است. در این
رابطه دکتر تحقی علمی مسساون وزارت
دارایی در سمینار بررسی مسائل اقتصادی
استانهای ایران نقش بانکها در این سیستم
چنین گفت: "بانکهای کشور بجای اینکه بسه
تولیدکنندگان وام بدهند به رشته های
واسطی و بازرگانی وام میدهند. جمع آوری
سپرده ها توسط بانکهای تجاری انجام

میکردد که علاقمندان به دادن اعتبار در
جا های هستند که هم روبرکت باشد، هم سود
بیشتر داشته باشد. که این امر در مسیر
کالای بازرگانی و واسطی میسر نیست ."
در این بنده با نقش اقتصادی دولت تنها
آنجا که مربوط به سرمایه تجاری میشود،
تشتیلات و پروروزی خرید و طوبولی بسه
بخدمت کردند شده است. علاوه بر موسسات،
سرمایه و ارکانهای تابع وزارت بازرگانی
که در رزم ساندگان ساخته اند. چند بسه
سازمان موسسه جدیدالتاسیس با هزینه های
سرمایه آور بسه خدمت گرفته شده اند .

وزارت بازرگانی با ۹ شاخه معاونت،
۱۳ موسسه، شرکت و سازمان تحت پوشش که در
رابطه با مسائل تجاری و امور جنبی آن
تعالیمت میکنند و ۱۳ مرکز تهیه و توزیع کالا
که مشمول خرید کالا از خارج هستند، وظیفه
خرید کالا از شرکتهای امیربالیستی و دول
امیربالیستی و وابسته و رساندن این کالاها
بدرست تجار و سرمایه داران وابسته به بازار
را برعهده دارند .

دستگاهها و مراکز تهیه و توزیع کالاها
بدرست پوشش وزارت بازرگانی و اجناس را
در صفحه ۱۴

اخراجهای دسته جمعی و کمیته کارخانه

کارگران عینیت می باید و رابطه ارکانیک
من طبقه بشناسد یک کل واحد متخلی میشود.
در نظام سرمایه داری، با تراکم و تمرکز
زما باید و تمهین تقسیم کار اجتماعی، رشته های
مختلف صنعت مدام تخصصی میشود. هر چند
بر این روند، تعداد واحدهای تولیدی آنقدر
ناهنسار میباید اما در عین نیاز هر چه
تعدادی به ما بپوشیهای تولیدی افزونتر
میکرد و در رابطه اجتماعی بین مولدین بیسی
سرولتاریای بخشهای مختلف منابع محکمتر
میشود. این امر خود موجود در هیکل سوبیتی است
که کلیت طبقه کارگر را که از لحاظ تولیدی
بهم مرتبط شده اند، به لحاظ ذهنی بهم نزدیک
میآورد. با این ترتیب صنعت بزرگ ماشینی،
نمزمان، طبقه ای را سازمان میدهد، متحد
میکند، منضبط میکند و آنکه با بدگورکن همین
نظام میآید و چنین رمانتی را بر عهده دارد.
سطح نه بر سر جمع ساده کارگران درسیک
حل، در یک کارخانه و یا مونس تولیدی
است - که این خود جز کوچک ار و در رابطه
رگانیک اینستا رشنوگان است - بلکه این
میوندا از طریق نیاز رشته های مختلف مایع
یکدیگر و عامل ذهنی که بدستال چینی
سازمی همچون زنجیره ای گشت تولید کنندگان
اسم شامل میآورد مطرح میسند.

اجتماعی شدن کار و عملکرد تخصصی های
سازگون در روند تولید و تبدیل تولید بر آنگذ
تفردیدیک تولید اجتماعی، طبقه مولدین
که تحت مشقات و استثمای نظام سرمایه
ری قرار میگیرند، سرمایه رزهای متحدیسا
طبقه استثمای رگرموق میدهد.

طبقه کارگر با طریقت در تولید
اجتماعی و جمعی که در جریان صنعتی
کار اجتماعی به یک کل ارگانیک میسند
تبدیل شده است و سرمایه رزهای جمعی
تفردوی نیاز و در پرای آن رسد عینیت است
و سرتر آن امکان سازمانی طبقه
کار را فراهم میآورد.

هر چند که در کشورهای سرمایه داری
سند میسند میریالسم، رانند ارگانیک
سازمانی و مختلف مایع همچون
سورهای سرشنه سرمایه داری است اما
و مخرج منوان گشت همان حیوانی گند
زولتاریا را در آن سورها بدیدگر مرتض
میآورد، در چنین کشورهایی سرمایه داری

سرشنه...
حال در سرمایه داری، استخراجیسا
مغضیل رسته های مختلف مایع بدید مایع،
ریمدهای سوبتاریا یک سرولتاریای
حشهای مختلف تولیدی صنعتی و علاوه
سرآن، امکان شکل سازمانی این
طبقه با سوار ریشای مواجه میگردند.
کارگران اخراجی که از زنجیره تولید
اجتماعی خارج میگردند، بدتنبها فرهنگی
و حاشل بیولتری را بتدریج از دست میدهند
و عبورت افراد و عتایر بر پراکنده در میآیند
بلکه آن عواملی که بر ریمه آن امکان
پیشتر در مساره ای محدود و متشکل را میسر
مسا زد شدت ضعف میگردند. یعنی همان
خطری که امروز بحین وسیعی از طبقه کارگر
در بر گرفته و بطور شتابنده ای همچنان این
خطردامن گسترش مییابد.

رژیم جمهوری اسلامی تحت تاثیر بحران
اقتصادی و ورشکستگی مالی و سیاستهای
بنیاد ارتجاعی اش در مورد پیشتر جنسک
ارتجاعی، دست به تعطیل گسترده کارخانه ها و
مراکز تولیدی رده است. هر روز به بیانه کمبود
ارزویا تمسخر خط تولید تعدادی از مهم پیشتری
ارگانیک را به حاشا سبها بر باب میسند و
بدون هیچگونه تائیدی بیگانه روگرمینه رها
میکردند. شرط دریافت حداقل دستمزد،
ترکت در حشدهای جنگ ارتجاعی است که این
جود مرک بگوندای دیگر است. خطری که امروز
طبقه کارگر را تهدید میکند، بسیار جدی است
و مقابله ای محدود و یکبارچه از سوی گسل
ضد میسند. نظاما اگر طبقه کارگر متشکل
و سازمان یافته میسند، به تنه رژیم بخود
جرات میسند چنین بی محاسبات سب
اخراج های دست جمعی بزند بلکه هر اخراج
و تعطیل کارخانه مستقلا به نقطه پرشی جهت
سار رده گشوده بر طبقه رژیم تبدیل میسند و
جود ای بزرگ روت حرم اسانته سبده
کارگران بر علیه رژیم سرمایه داری
حاکم.

اما اکنون که جمهوری اسلامی طبقی
سالیهای اخیر، ضربات متعددی بر سر کرسی
کارگری وارد آورده، سوراخهای کارگری را در
هم شکسته، بسیاری ارگانیک را بیرو و آگاه
رابطه رنده اش افکنده و با اخراج و از گسار
بیگانه رگرمه و ضربات وسیعی، سرمایه های
انقلابی و کمونیستی زار آورده، قادر کنند
است این چنین بی محاسبات به اخراج های
وسع بزند و با بدید سده اخراج، فشار بر
کارگران را از این جهت دو بر شدت گسار

سفراند، در حین سراسر ماکتک اشغال
کارخانه سرمایه داری سراسر سوبه مقابله
با اخراجیای دسته جمعی است و مستوانند
عاملی جهت رسدوا رسد، مبارزات کارگران
با شد و علاوه بر سوبه و حتی عقب مانده تر
کارگران را هم مستوانند خود جلب کنند،
زیرا که خطر اخراج بدیده ای همگانی شده
است، بلکه در جریان اشغال کارخانه
بهترین و مناسبترین زمینه جهت تشکیل
کارگران و تشکیل کمیته کارخانه فرا هم
میشود. سوبه های کارگر، در جریان اشغال
کارخانه، بطور عینی و بادی ضرورت رهبری
ساز رده و تداوم آنرا احساس میسند و کارگران
بهتر و که بتانسیل و توان رهبری مبارزه را
در جریان عمل به اشیا رسانده اند، هسته
اولیه و مرکزی کمیته کارخانه را تشکیل
میدهند. تشکیل کمیته کارخانه بمنسوان
اقدامی عاجل و در جریان اشغال کارخانه ها
تعطیل شده و با در شرف تعطیل و با آن دسته
از مراکز تولیدی که دست به اخراجی گروسی
و با دسته جمعی رده اند هر چند با سرعت و زمینه
مناسبتری مستوانند شکل بگیرد اما این
کمیته ها بعضی تشکیل با بدی سرعت را بطسوه
پیوند خود را با دیگر کارخانجات برقرار
کرده و آن کسیتی را که سوز و آزی میخواد
در صفوف طبقه کارگر بدید آورده، به پیوستگی
هدمند تبدیل میسند.

رابطه و پیوندی دیگر کارخانجات نیز
میتواند از طریق تماس با کمیته های
کارخانه و در صورت شکل بگورتن آن ابتدا با
برقراری ارتباط با کارگران پیشرو و آگاه
آن کارخانه صورت گرفته و از آن طریق اقدام
به تشکیل سبده اولیه کمیته کارخانه گردد.
حسی در موساتی که در خدمت اهداف سلاواطه
رژیم قرار دارند نظیر مایع نظامی و سب
مراکزی که رژیم بدلائل گوناگون هرگز
نادرست آساراد نمغضل بکشانند نظیر
نفت و گاز، راد آهن، سنا در و کشتیرانی،
اب سوب، سبیل کمیته کارخانه را بر این
طریق سازماندهی اعتنایات کارگری در
انجمن بدتغیل دیگر کارخانجات،
سوزانده سبها هم بیزیدی و وحشده
بر رنسا را راه سانس بکدارد، بلکه در
نس حال و سمت رژیم راه دو خامت سبتری
سوی دهد. هر چند که تشکیل کمیته کارخانه در
کارخانجاتی که با اخراجیای دسته جمعی
سراجمید و در جریان اشغال کارخانه، با سرعت
و حیولت سبتری امکان پذیر است و فرآیند
نوده ای شدن و فرا گشردن آن بهتر و پیشتر
در صفحه ۱۰

۴۰ ساعت کار، دوروز تعطیل در هفته حق مسلم کارگران است



دو تاکتیک در مقابله با ...

و متوسلی که این نیروهای سیاسی اراسته سیدند، اما در اساس بر صفتی دوخط منسی انقلابی و رفرمیستی موجود در جنبش کارگری رگمونیستی، با در مجموع تاکتیکهای اساسی متفاوت با یکدیگر مواجه ایم. یکی، بر اساس خط منی انقلابی - پرولتری، مجبورستند تاکتیکهای رایجا توجه به وظائف اساسی پرولتاریا در این مرحله از جنبش انقلابی پیش میکنند. این خط در مقابله با مثالها اخراجهای دسته جمعی، آن سیاست و تاکتیکهای رایج پیشینها دیکند و به سازماندهی آن میپردازد که در رابطه با سایر تاکتیکها در دیگر مرحله های مبارزه، مجموعاً، مبارزه پرولتاریا و سایر توده های زحمتکش را در راستای تحقق انقلاب، بحرکت درآورد، دیگری، اما، بر اساس خط منی رفرمیستی اش، مصالحه مقابله با اخراجها را در پیوند با سرنگونی رژیم - اکنون، زمانی که سرنگونی رژیم در دستاور است - تکرار نمیدهد. برای این خط رفرمیستی جنبش طبقه کارگر بر علیه سیاست بیگانه سازی پرولتاری میچ خطی با مصالحه انقلاب پیدا نمیکند. هر ساله منحنی اجتماعی مجزا از ما بر مسائل در نظر گرفته میشود و لذا تاکتیکها از هم گسیخته و در یک راستای منحنی اتخاذ نمیشوند. هر چند که با بداعیان نمیشود این تاکتیکهای بظا هرازم گسیخته و غیر متجانس که از سوی برخی نیروهای مدعیسی مارکسیست اتخاذ میشود رژیم را نشانده رفته است و خود ریشه در پیش رفرمیستی اینان دارد. از جمله این دسته از نیروهای سیاسی میتوان به "کومه له و سهند" اشاره کرد. سیاست این بلوک اشتلانی در مقابله با سیاست بیگانه سازی رژیم، مخصوصاً رفرمیستی خط منی این بلوک را کاملاً آشکار میسازد.

این بلوک اشتلانی، طی مقاله ای در نام "طبقه کارگر در برابر سیاست سگسار ماریهای دولت" که در سمت و بمحکم شماره نشریه کمونیست بجا بر رسیده است، یکسار دیگر هر خود را نسبت به مسائل منحنی مبارزه طبقاتی پرولتاریا و لذا اتخاذ تاکتیکها و شمارهای مشخص در رابطه با مسائل جامعه به شایسته گذاشته است. در این مقاله، ایسین بلوک چه تشریح سیاست خود در مقابل سیاست سیاست سگسار و ماریهای دولت پرداخته است.

و طبق معمول آنجا که بحث از مسائل مشخص، تاکتیکهای مشخص و عمل مشخص مطرح میشود با استعمال، مبهم گویی و سرگرد آوردن در مقابل جنبش خود بخودی از سوی این بلوک رفرمیست و در مقابل آنجا که بحث از جنبه مسائل مشخص خارج میگردد و مسائل عام و مجرد جنبش طبقه کارگر و ماریها عام "سیاست سگسار ماریهای دولت" همان ماریها شد تا رگیم انقلابی " هستیم.

نشریه کمونیست منویسند: "سازمان دادن دفاع، در برابر بیگانه سازی رایج و با فتن زوهای مقابله با این هجوم بدست به کار نون توجه معافل پیروکاران و محور فعالیت رهبران عملی تبدیل شده است. این درست است که اکنون مقابله با اخراجهای دسته جمعی به مصالحه مبرم جنبش کارگری تبدیل شده است. همین کارخانه ها و اخراجهای دسته جمعی که اساساً با محفلت بحران حادث اقتصادی انجام نمیکرد، زیرا نهی جبراً تا بذیری را به قدرت و انجام طبقه کارگر وارد میآورد. بستن کارخانه ها و سگسار سازیهای گسترده، با لایه، زمینه های سازمانیایی طبقه کارگر و تضعیف میکند. آسم درست در شرایطی که محفلت تضعیف بحران انقلابی، جامعه آستین "سوادت" سرنوشته سازی است. به علاوه، سیاست مقابله با بیگانه سازی در جنبه های دیگری نیز شهنشده است. مصالحه فقط این نیست که تمسک داد معتنا بهی ارگانگران به خناساها پرتاب میشود و بصورت انفرادی در جنبش عمومی مستحیل میگردد. مصالحه فقط این نیست که با بسته شدن تعداد بسیاری از کارخانه ها، از قدرت طبقه کارگر در کل جنبش کاسته میشود.

بلکه مصالحه این نیز هست که " سیاست بیگانه سازی" - اگر با مقابله ای انقلابی روبرو نشود - بشا به اهرمی جهت در اقتصاد نگاه داشتن کارگران شاغل عمل میکند. چو ایجا دنده در اخراجهای دسته جمعی، نشای مبارزاتی کارخانه های راهم که بیخاست خود داد بید هند تحت تاثیر قرار میدهند. سیاست اخراجهای دسته جمعی، همچون جهانی بالای بر کارگران غافل نگاه داشته میشود تا از حرکت اعتراضی و مبارزاتی آنان جلوگیری نماید و از این لحاظ نیز جنبش طبقه کارگر تضعیف میگردد.

پس در حقیقت، مصالحه بر سرانجامت ایس ارنیست که با بد در مقابل این سیاست ضد کارگری رژیم، به مقابله پرداخته، مصالحه

بر اساس است که تا سوده مجموعه شرایط حاکم بر جامعه حکومت را کدام تاکتیک به مقابله با سیاست سگسار ماری رژیم برخاسته. برای سیاست کدام بد بد در همسود و تاکتیک "بلوک اشتلانی کومه له و سهند" در سازمان دادن دفاع در برابر بیگانه سازی که بد کار نون توجه معافل پیروکاران و محور فعالیت رهبران عملی تبدیل شده است. " سیاست آن است که آنچه عملاً از سیاستهای "کومه له و سهند" نتیجه میشود این است که این "کار نون" و این "محور فعالیت، هر چه بیشتر ارجحیت کانونی و محوریش خارج تده و شکل نقاط پراکنده و بی محسوری در " فعالیت های رهبران عملی طبقه کارگر" تبدیل شود.

نشریه کمونیست پس از ترسیم " وضعیت فعلی جنبش کارگری در ایران" وضعیت کلیه طبقه کارگر "فاقد هرگونه شکل سراسری و منطقی" میباید و مبارزات کارگران "پراکنده" است و "بدون داشتن پیوند" با یکدیگر نتیجه نمیکرد که " به این ترتیب تمسک یک شکل مبارزه برای مقابله با بستن کارخانه ها، بدون توجه به ویژگی ها و وضعیت مشخصی که در هر جا بر یک پیش میآید. رهنمودی خواهد بود که دست رهبران عملی را می بندد... بنا بر این در شرایط مشخص فعلی، در مورد اشکال مقابله با تعطیل یک فابریک معین، ما طرفدار متنوع ترین اشکال هستیم که بسته به شرایط، از سراسری رهبران عملی و در حین مبارزه انتخاب شود. همه جبرستی به شرایط دارد. همیشه هنگام محق نیست از قبل بر شکل مشخصی اصرار ورده بر تاکتیک معینی تا کید ورزد. جنبش خسود بخودی، بود حلال نمایی مشکلات است. ایسین است کند سیاست "کومه له و سهند" در مقابل سیاست سیاست ماریهای دولت "

این بلوک، آنجا که با بد منحنی در مورد مسائل عملی و تاکتیکهای معین اتخاذ میور، بکند. عملاً، استعمال و سروری اش را از سراسر حوادث نشان میدهد. نشان میدهد که حکومت هر آنچه که هست رفتار میدهد. البته طبعی است که این بلوک در هر شرایط مشخصی " طرفدار متنوع ترین اشکال" برای مقابله با مصالحه منحنی باشد. طبعی است که با طبعی چنین دیدگاهی عملاً منسوخ از هم گسیختگی در مبارزات طبقه کارگر باشد. طبعی است که اینان بجای اینکه مبارزات غیر متمرکز و از هم گسیخته و " بدون پیوند" کارگران را در

زند و به باد سوسیا لیسیم

اجتناب ناپذیری

تشدید بحران اقتصادی

خواستگرمه، روسیه، حداقل ده میلیارد دلار بران برودند. این مرس، براد حسام و راتخه از ساریستان در حالیکه ما کما کما هستی در اندیشه و احساسی تا بداهت حاصل از فروش سست در هزینه های جنگ، دیکتاتوری بسرای این واردات سابق نیمه اندوایین حقا بسبق بوج بودن ادعای سخت و بربر رژیم را اثبات میکنند که میگوید: "بر اساس سومین هدف، دولت خودی را موظف کرد که لایه های اساسی را که در دست دارد به تنگلی که قبلا تهیه شده تهیه کند و در اختیار مردم قرار دهد. بدین صورت که اگر ما مجبوریم قسمتی از آنها را وارد کنیم بصورت واردات و آنها بی راهم گیس میتوانیم در داخل تهیه کنیم بصورت تولیدات داخلی فراهم آوریم و در اختیار مردم قرار دهیم و قیمت آنها را تثبیت شده نگه داریم." معلوم نیست سخت و بربر رژیم چگونه میخواهد بدون ارکان و لوازم، چگونه بدون مواد خام و کارخانه های مورد نیاز کارخانه ها کارخانه های اساسی را در داخل تولید کند و چگونه قیمت آنها را تثبیت شده نگه دارد؟ تنها باید از طریق مداخلات با پای پای و آتش بمباران محدودیت و انداختن از نیازهای مردم را تهیه کند. اما ادعای موسوی مبنی بر اینکه میخواهد قیمت ها را تثبیت شده نگه دارد، نه فقط عاری از حقیقت بلکه منتهی است. سال گذشته که وضعیت رژیم شما سالی حدودیم نبود نتوانست افزایش روز افزونی نسبت کارخانه را مهار کند و بر طبق آثار خود رژیم این افزایش در فاصله سالهای ۶۲ تا ۶۵ در مورد قیمت شمشیر نرخی کارخانه ۱۴٪ بوده است که نظایا محاسبه قیمت خرده فروشی ۲۰٪ تا ۳۰ درصد بوده است و هم اکنون سیر طی دو سه ماه اخیر قیمت کارخانه در مواردی حتی تا ۳۰ درصد افزایش یافته است. پس واقیعت مذکور کذب ادعای سخت و بربر رژیم را نشان میدهد. اقدامات دیگر دولت سرسختی در جهت تثبید بحران و توانب وحیم آن بر سر دیکتاتور حاکمان در سی خواهد داشت. سیاست ما مطرح صرفه جویی رژیم سر در حین سید در کودتای او میگوید: "ما در ضرورتی ما در ک اقدامات انقلابی بس سرورسی ما سید ما مدادیم. در آن ساد حسابمانی داریم بدینام دستکامیسی جراتش کشور و منطقه آن وزارت بر نامه شده بود و در دستکامیسی ما موظف شد که ۶۲ سلسله تومان صرفه جویی در سوده های عمرانی و جاری کنورداتته باشند." گذشته

برمان صرفه جویی در کشور اعلام کردیم در اطلاع ما بودجه جنگی نه تنها ما به هیچ وجه درجه را کم نکردیم بلکه این زمین را هم بر قیمت برادران در هیئت دولت میبیم نتوانیم از ما بر بخشها نبریم این زمینه یک کم. ما سوده به مسائل ارزی که داریم ما بر اساس این هدف اول آمدیم ارز بنگ را کنار گذاشتیم و قرار شد با طر سست نصیبه آنرا بطور کامل بپردازیم. سر روشن است که رژیم بجا طرفدار هیچکس نیست چیزی از هزینه های جنگ نخواهد داشت و در وهله نخست ارز حاصل از فروش نفت را صرف ما بحتاج جنگی خود خواهد کرد و بلکه ما کزیراست هزینه های جنگی دیگر را نیز به جنگ اختصاصی دهد. این سیاست رژیم بدانجا منجر خواهد شد که ما به منابع ایران که ما سالی از حیث سرمایه، تکنیک، مواد اولیه و واسطه های به صنایع و موسسات کشورهای صیربالیستی وابسته اند، در شرایط فقدان رزولزم برای تهیه ما بحتاج خود متوقف کردند. هم اکنون تعدادی از کارخانه ها، موسسات تعطیل شده و در تعدادی دستگیر سولده حد اقل ممکن کارخانه ها هستند. این روندی که در آمدن دولت از سختی است خواهد داشت تا اگر در سال گذشته تنها تعدادی از کارخانه ها و موسسات تعطیل کردیم و با نیمه نده نیز با ظرفیت کمتر از ۵۰ درصد فعالیت خود را ادامه دادند. اکنون بخش رسمی از موسسات تولیدی کلی تعطیل خواهد شد، و بخش ناچیز دیگری که مانعی می مانده ما ظرفیتی حتی کمتر از ظرفیت موجودی کارخانه ها خواهد شد. و با شما در خدمت جنگ قرار خواهد گرفت. نتیجه نوری این امر نه تنها اخراج تعداد کثیر دیگری از کارگران ایران و محروم شدن آنها حتی از ما من حد اقل محنت است بلکه کمبود ما بحتاج و کارخانه های مصرفی مورد نیاز روزمره مردم تشدید خواهد شد. اگر تاکنون در حین واردات عظیم کارخانه های از محصولات مصرفی صنعتی نیز در داخل تولید شده ما تا حدی در آمدن نفت تولید این محمولات نیز حد اقل ممکن کارخانه ها در دست ما توجه ما اینکه فقدان ارز مورد نیاز برای واردات کارخانه های مصرفی که طی چند سال اخیر واردات به علت وخامت وضعیت تولید شده است به سوده مانع از آن خواهد شد که در رژیم سواد بدون گذشته کارخانه های مصرفی ما بحتاج ما می را وارد کند. در استک سالی ما بحتاج مصرفی از جمله مواد غذایی، سوزاک و دیگر برائیل و سایرهای روزمره سبب سالیات ما خواهد شد. قیمت کارخانه ها صرفا افزایش خواهد شد. مشکلات واقعی و غیره سالی ما کم

از استکداس صرفه جویی سیدان شوقی بروردهای عمرانی و کاسه سدن از هزینه های سیدان سدراس. آموزش و غیره استکده مکی سستما سر بر دگی سوده های مردم تا سیر سکار و در ساری ستری راه مردم تحمیل سستکده مکی از نتایج منب آن سیر سکار سدن در هیا فرارتن ارکان و کران ایران در اثر این سیاست است. سیاست افزایش صادرات غیر نفتی سیر نمیتواند رژیم را از محاصره ای که با آن روبروست نجات دهد. چرا که نقش آن آنقدر نا چیز است که تا سیری در اوضاع نخواهد داشت. رژیم اگر همه تلاش و مکانانش را سیر خدمت بگیرد تا در نهایت حتی مسا دل یک میلیاردها دلار از رزوارای ما در ات غیر نفتی بدست آورد. تمام واقیعات نشان میدهد که برخلاف ادعای سخت و بربر رژیم کما ش در امد های نفتی شدت بروغانت اوضاع افزوده است و خواهد افزود. بحران اقتصادی به درجه کم سابقه ای تشدید خواهد شد. تحت تاثیر این بحران و سیاستهای ارتجاعی رژیم، وضعیت اقتصادی و مسادی سوده های مردم وحیم سرونزابطه رندگیسی آنها تحمل نا پذیر تر خواهد شد.

یادواره شهیدای سازمان

کام	کام
احمد	حرم آبادی
اکبر	حق بیان
غذالد	سمدی سیدختی
حجت	محسی کبیر
غلامرضا	جلالی
حمزه	ماشی
سین	رمعانی
سار	ایادی
شاکر	سیدریان
سار	
شاکر	شرکتی با بیان چوبداری

رئیس کسر حشید اشرفی
و مسئول با دستا می بهدای کمنام سیر ما
سازمان کراسی ساد



یادداشت‌های سیاسی

خشی تساهل زهد کنونی خمینی است . اکنون نفت که برای هرستکدهای کمتر از ۱۰ دلار میفروشد، ارزشی برابر با نفتی را ندارد . و با هیچ خمینی به معنای اجتماعی نیست که با این ارزش نایبده، نفس جسی به ما وراه خدا اتکا کرد . زمانی که قیمت هرستکه نفت بیش از ۳۰ دلار بود، وضع فرق میکرد، اتکا به خدا یا به ملت سستی به میزان صادرات و قیمت آن دارد . و اکنون راه عمل خمینی در مقابل به باجراشی که سرپایای جامعه را فراگرفته است ، مارکشیست خدا و اتکا به اوست . آنچه که در چشم انداز است ، تند تند بحران اقتصادی است ، رژیم جمهوری اسلامی نسبت به این بحران زیاد ملاحظه و اقدام نکرده و فلانکست شده ها افزوده خواهند . در پس عوامی که بحران اقتصادی را ندانم میبخشند، جدا از مشکلات بحران اقتصادی موجود، محدودیت درآمدهای حاصله از فروش نفت از اهمیت درخوری برخوردار است . اما هیچ نشان محسوس از تصمیمات سیاسی در وضعیت بازرجانی نیست که بتواند در خدمت رژیم جمهوری اسلامی قرار بگیرد و متاثر نماند . برای این سنا میتوان پیش بینی کرد که هزینه تدارق مقابل به با دینهای منفی ، در سرده خمینی، زود به زود سنگین تر شود .

۳- سبک کار حکومتیهای

دیکتاتوری یکسان است

بحرانی های اخیر بحران رژیم نشان داد که تمامی حکومتیهای مدمردمی، زمانی که با بحران های دپروبر و مبود و مفا و مکت و اعتراض همگانی بازمیکرد ، به شیوه های سیاسی دست می یازد ، و چرخه را آنچه که بعد از حکومتیهای دیکتاتوری و مدمردمی کرده اند ، راه دیگری در مقابل خود میسازند . سبکی ، رنسانسی ، محسوس و سایر بحران رژیم ، با همان الفاظ و سبک های به شرح شرایط و مقایسات و آثار مختلف تا به بعد برداشته اند و ما همان سلاخها و اسلحه های مقابل به ما اعتراضات بوده ای سرها شده اند . رژیم شاه به آن متوسل شده بود و به زرات توده های شهری اش راه نفوذ یافته اند ، و این به دفعه بحران ایران گشته

نمونه های سومورا ، با تسمتا ، مارکوس و غیره ارتقا خن های جهانی این شیوه شما رمایا بند ، حرکت های دیکتاتوری و مدمردمی که با حکمرانی خود را بر سرکوب مداوم مردم و ایجاد جو خفتان برجا مع بنا میکنند ، در زمانی که بحران انقلابی فرا میسر شود و اعتراضات توده ای بالا میگیرد ، هر حرکت اعتراضی را به عوامل خارجی وصل میکنند . سبب این دلیل است که خفتان بحران رژیم ، این روزها ، آکنده از نفوذ عوامل سبکانه در میان مردم است ، با طایف دست یکسار شده اند تا در میان سلیمانان نفس ساق پیدا نماند و تشوکه های قاچاق سیاسی پسرانی در دست نبود مردم از حکومت اپدلی سسر نهادت خود را مرده اند و دولت های استکباری برای نفوذ در داخل جامعه و اخلال در یکسار مسلمین به اعزام جاسوسان کار آزموده مبادرت ورزیده اند . رنسانسی در سار جمعه اردستگیری یک جاسوس آمریکا شی غیر میده و سپس اضافه میکند که اکنون آمریکا شی ها فکرمیکند که حکومت اسلامی از نظر اقتصاد شی ضربه پذیر است و از عوامل خودشان در داخل جامعه استفاده میکنند تا وحدت مسلمین را به خطر بیندازند ، رنسانسی با این مغزی و گسری چندین ها ، اتکا به اعتراض و اعتبار بزرگ آثاره میکند . محتشمی و بزرگشور نیز اسلام کرده که "یک شبکه اسرائیلی ۱۷ نفره که سار گرفتن پول مشولین و فراریان از جبهه ها را از مرز خارج مکرده ، دستگیر شد" محتشمی در عین حال اضافه نمود که "حزب مصلحت برای مشولین ۲۷ نفر است و در صورتیکه خود را تا اینمدت معرفی نکنند دستگیر خواهند شد ." در حقیقت آنچه محتشمی میخواهد است در پوتش دستگیری یک شبکه اسرائیلی آرا مخفی کند ، مقایسه مکرده مشولین برای معرفی خود به مراکسر سار را گسری است ، سار شی که محتشمی میگوید ، سار بر این با پیدا اعتراض و مقایسه توده ها بر علیه جنگ و بسج اجباری نیسر کار شبکه های صهیونیستی باشد . از این نمونه ها سار است ، اما اگر این شیوه ها توانست رژیم شاه را نجات دهد ، رژیم جمهوری اسلامی را هم نجات خواهد داد . رژیم شاه سار زمانی که اعتراضات توده ها را به گسری سار ، سار شی حرکات را سار به حرکتات عوامل خارجی معرفی کرد و حتی کتب کداسی عوامل خارجی هستند که از مرزها مگردند و در داخل شهرها تظاهرات سار می اندازد . اگر حکومت اسلامی از همان ابتدا

تمامی اعتراضات و مبارزات توده ها را به سد انقلاب مطلوب و اسکا رجحانی نسبت میداد اما اکنون وضعیت آنچنان انفجار آمیز گشته است که ما بدنا هدموج دمافروشی از دستگیری شبکه های قاچاق سیاسی ، جاسوسی و غیره سار سبک کار حکومتیهای دیکتاتوری یکسان است .

افرا جشای دسته جمعی و کمیته کارخانه

فراهم است اما مجموعه شرایط معنی و ذهنی جامعه ، بطور کلی تشکیل این کمیته سارا الزام آور میباشد . اگر شرایط حاکم بر جامعه را در نظر بگیریم یعنی بحران انقلابی ، جو ضروری خفتان و سرکوب معنا که سبقت نموده هیچگونه شکل کارگری حتی تشکلهای منفی کارگران بحر تشکلهای وابسته و متشکل از معنا سر رژیم، شرایط فوق العاده متحولی که هر آن امکان سرور و انفجارات عظیم توده ای را پیش روی قرار میدهد را لایحه رنجار جنبش کارگری جهانی و جنبشهای انقلابی پیروز متدر چند دهه اخیر رهنمودهای کمیته در این مورد هم اکنون مناسبترین شکل کارگران کسسه کارخانه است . کمیته کارخانه در شرایط کنونی میتواند سرت به یک شکل فراگیر توده ای تبدیل شود ، فرجه که در ابتدا و متنا سب سار رابط ممکن است بصورت منفی و با ابتکار کارگران پیروز و هسته اولیه آن تشکیل میگردد - سوزده کرده رنجاران اشغال کارخانه توسط کارگران پدید آید از همان ابتدا یک تشکل وسیع و توده ای خواهد بود که میتواند سرت سرتین با سب سب سار زمانی و برآکندن سرت کارگران باشد ، سار سار توجه و وضعیت کنونی آن سار مانده توده ای در دست و قرار دارد که هم حول مسائل مشخص و خواستهای سار و خطه و سوزی (منفی- سیاسی) کارگران ، سار سار رات آنان را سار زمان دهد و هم با سخوی سبم انداز متحول جنبش انقلابی سوزی سوزت آبی باشد . تشکلی که خود سار سار تحولات جامعه و وضعیت جنبش متحول توده و سرت سرت سبب انقلابی سبب اشغال سار سرتی نظر سارهای انقلابی سار سار رکان سار سار سار سار سار





دو ناکتیل در مقابل ما . . .

فابریکهای مختلف، با توجه به شرایط موجود متولد شده، به آن تمرکز چند دور استنای منجمی را در جهت پیروزی این مبارزات پیگیریهای طبقه کارگر بگذارند، به روشیست موجود نیست بخشد. در مسائل اس از هم گمیختگی سرفروغ آورند و لنگ لنگان در پشت سر مبارزات "پراکنده" طبقه کارگر گام بردارند. یعنی عملاً بر "پراکنده‌گی" و "پپروت" نداشتن "مبارزات کارگران در فابریکهای مختلف مهر تأیید بکشند.

این بلوک میگوید معاً بلند یا اهرایهای دسته جمعی "بدرست به کار برنوردن محاسن پشروکارگری و محوریت است رهبران عملی تبدیل شده است". اما درست در هنگامی که میخواهد سیاست "حزب کمونیست" را در مسائل این مساله جنبش، که نه به کارگران بسک فابریک، بلکه به کل طبقه، به حین براسری کارگری مربوط میشود، روشن سازد. جزو رسیت بخشیدن به پراکنده‌گی و از هم گمیختگی و ضمنت موجود، سیاست دیگری را ارائه میدهد. حزب کمونیست که سیاستش در قبال یک مساله منجمی، راستای عمومی جنبش و نافع کل طبقه است، در اینجا، این "حزب کمونیست" سیاست را در راستای اشکال متنوع مبارزه در فابریکهای مختلف تدوین میکند. این "حزب کمونیست" سیاست محکم پیشا فنگ را در قبال کل طبقه نگه نگه میکند تا با ملاحظ دست "رهبران عملی" بست شود. زمینه این سیاست را هم کشند "حزب

کمونیست" که پیشا روی کارگران برآوردند منجمی و فریبستی بر ما موعظ منی است که در نقطه در این عرصه مبارزاتی، بلکه در سایر عرصه‌ها سرچو در امور مبارز، و منی اسن کمونیستیا، "حزب کمونیست" را تجزیه میکنند به بخشهای جغرافیایی، خلاصتاً از یکدیگر منتقم میارند، آیا منجمی نیست که در مورد کل طبقه مبارز هم گمیختگی بر اساس "و صیت منجمی حرفا بریک" ما نند؟ و آیا ضمیمی نیست که "رهبران عملی" در فابریکهای گوناگون منجمی نشن حسیرب کمونیست را در جنبش کارگری سرچند بکشند؟ گذار هزاران کل سکند، گذار "رهبران عملی" حرفا بریک خود جزب کمونیست بشار آیند!

در مسائل این سیاست دروغین طبقه کارگر که عملاً سرفروغ آوردن در برابر ضمنت موجود را موعظ میکند، که پراکنده‌گی در مبارزات کارگران را دامن میزند، که با سر

سرفروغ آوردن در برابر آنچه که در حرفا بریک میگذرد بحث عنوان طرفداری از "متنوع‌ترین اشکال"، از اسجام، تمرکز و قدرت یافتن مبارزات کارگران در راستای منجمی ما نندت سمل آورد و مبلغ پراکنده‌گی و عدم اسجام نشند کارگزاران، بیسنا فنگ و انفسی بلنده کارگرن را دارد.

کمونیستها بر پراکنده‌گی مبارزات عملی کارگران، از بندها اشکالات سراسری کارگرها به این نتیجه تشریح میکنند که با اشکال متنوع مبارزاتی، بدون در نظر گرفتن سرفروغ و کارآش آن برای هدنی منجمی، سرتکمین سرفروغ، کمونیستها اشکال متنوع مبارزاتی را مردود می‌نمایند، و در هر شرایط منجمی، سکارگیری اشکال متنوع را مجاز میدانند. اما سکارگیری اشکال متنوع منجمی اینست که در هر شرایط منجمی، سرفکلسی از مبارزه الزاماً تا کید نشود، کمونیستها وضمنت موجود در حرفا بریک منجمی را مدنظر میگیرند، سطح مبارزات، ما زمانه‌های و آگاهی کارگران حرفا را مدنظر دارند. و با توجه به محدود شرایط موجود در هر سرفابریک، رهبران عملی کارگران را با ساری سربا سندا مبارزات کارگران را به پیشا برسد، اما نه در هر راستای، کمونیستها از تمام اشکال مختلف سطوحی که در بین کارگران فابریکهای مختلف وجود دارد، به این نتیجه می‌رسند که ما در طرفدار اشکال متنوع مبارزات سکتلی که "گرمه‌له وسند" مطرح میکنند، شد و استاهای گوناگون مبارزه کارگران حرفا بریک را تا کید و تقویت کرد و به این ترتیب بردا مند پراکنده‌گی مبارزات طبقه کارگر را افزود. اختلاف سطوح مبارزاتی در بین کارگران فابریکهای مختلف، فقط نقطه آغازین حرکت را برای رهبران عملی حرفا بریک منجمی میکنند و نه چیری سبت سرار آن، بیسنا فنگ، اما سیاستش را با توجه به سیر تحولات ما مند و منافع جنبش طبقه کارگر (کل طبقه) استوار میسارند و به سراسر اختلاف سطوح مبارزاتی در حرفا بریک و رهبران عملی با توجه به شرایط منجمی سرفابریک حرکت را آغاز میکنند و کمونیستها می‌کوشند از طریق دخالت اسلابی در مبارزات کارگران به مبارزات توأم و راستای منجمی بخشند.

کمونیستها، با توجه به شرایط منجمی ما مند بر شکل منجمی از مبارزه کیدوشا مند مبارزات گوناگون و متنوع کارگران را در یک راستا، در راستای پیروزی و منجمی سرفروغ هدف قرار دهد، تا کید می‌کنند بدون آنکه سرفروغ خود را مقید به تدبیر یک شکل از مبارزات کنند، کمونیستها در بین اشکال متنوع

مبارزاتی، سرتکلی منجمی که همچون جلنده اسلی، کل سلسله رهبر سار را ساری کارگران را سیم کرد سیرت و در یک جنبش سحرکت در ما آورد، تا کید می‌کنند.

در مقابل ما سیاست اهرایهای دسته جمعی نیز، اسند اشکال متنوعی سکارگرت می‌نمود و رهبران عملی کارگران در حرفا را مند منتظر این سیاستند که "گرمه‌له وسند" به آنها ره نمودند که به هر شکلی که سبلا ح میدانید مبارزه کنید! خیر، آنها نیازی به چنین ره نمودهای پی منجمی ندارند. و طبقه بیسنا فنگ برولتا را ما اس است که در راستای مصالح حسیب منجمی طبقه کارگر، و نه حرفا بریک منجمی، سرتکلی منجمی و متناسی ما سطح حسیب سیر تحولات ما مند تا کید ورزد.

بر همین اساس است که سازمان ما، سمن مجاز اسن اشکال متنوع مبارزه در مقابل ما سیاست اهرایهای دسته جمعی و سبتن کارخانه‌ها، بر اسغال کارخانه توسط کارگران به عنوان شکل منجمی که می‌تواند مبارزات کارگران را در رانجات گوناگون را با توجه به دوران انقلابی کوسنی و عملست تعرضی جنبش، در یک راستای واحد قرار دهد، تا کید می‌ورزد. اسغال کارخانه‌ها در مقابل ما سیاست منجمی کارخانه‌ها و اهرایهای گروهی و دسته جمعی آن طبقه اصلی است که ما بر اشکال مبارزاتی کارگرسران را در مقابل ما اس سیاست رژیم می‌تواند به سیم کرد بزند. اسغال کارخانه‌ها، نمی‌تواند حرکتی در خود باقی مساند و اثرات گسترش یابنده آن، مبارزات کارگران در فابریکها، محمل را سیم بیوند سیرند. اگر "ما زمان دادن دفاع در برابر سکار سازی های جاری و با ستن راههای مقابل ما اس هجوم بدرست به کارگرن توجه محافل پیشرو و کارگری و محوریت اسن رهبران عملی تبدیل شده است، اسغال کارخانه‌ها به عنوان شکل منجمی اسن "ما زمان دادن دفاع در برابر سکار سازی" مبارزات کارگران در فابریکهای مختلف را حرل ت محور - یک محور کید به سیاست ما سطح حسیب طبقه و محتضات دورا ان اسلابی کوسنی اس - قرار میدهد و در حین حرکت، امکان غنده سرفابریکها "مبارزات کارگرن را فراهم می‌آورد.

این اسن تفاوت اساسی بین دو سبونه ما مند کید در موعظ منی ما سنا سبونت سبند کوسنی سرفروغ، اما ما سنا سبونت ما حها سبند سنا سبند، "گرمه‌له وسند" ندر سرفروغ ما سنا سبند، در سرفروغ سبنت ما سنا سبنت سکار سازی های دولست" این چنین سرفروغی خود را اسکار سنا سبند، در ص ۱۲

دوگانگی در حمایت یا ...

وقتی که پای میدان مبارزات مبارزه طبقاتی کارگران میگذارند ، آنچنان در میان انتحام و یکبارگی مبارزات کارگران قلم نرمانی میکنند که ترا آگاهی نسبت به مواضع ایسان را میبوت میبازد . سربیه کمونسیت مینویسد : " اما حرکت انترناسی وسیع و یکپارچه در سطح طبقه کارگر قضا میتواند با سیاست تنظیمی کارخانه ها مقابله کند و دولت را بیدار غیب نقیضی نائز بکند . در رابطه ای که این بلوک بین " حرکت انترناسی وسیع و یکپارچه " با عقب نشینی دولت ایجا میکند ، در گذریم .

این رابطه ناشی از سیاستهای رفرمستی این بلوک میباشد که به او اجازه میدهد تا وجودش را بر سرگونی رژیم و انقلاب که بطور عام مطرح میسازد همین مبارزات کارگران و این سرگونی و انقلاب رابطه ای برقرار کند . در جنسیت برای این بلوک مبارزات کارگران یک چیراست و انقلاب چیز دیگری اما از این منعت که بگذریم ، جالب است آنست که این سیاستهای خود به خود بیوزن و کاهنده میسازد و در نهایت برانگیزی مبارزات کارگران و فقدان تفکلی براسی ، بیساعت نمیتواند حتی بر شکلی مشخص از انکال مبارزاتسی تا کند که در نهایت بعد سال جنس خود محدودی نشده کارگر ، طرفدار سرخ تریس اسکال مبارزه بود . حال در سطح عام و تحریردی ایجابی ندارد که بگویند " حرکت اعتراضی وسیع و یکپارچه در سطح طبقه کارگر " قطعاً میتواند در مقابل سیاست تنظیمی کارخانه ها موفقیت آسرایند . بر اساسی آما " گومه له وسپند " معنای " بیکارگویی مبارزات " و " حرکت وسیع و یکپارچه در سطح طبقه کارگر " را درک میکنند !

ما این وجود ، اما این حرکت وسیع و یکپارچه در سطح طبقه کارگر چیست ؟ و چگونه را در کدام طریق حاصل میشود ؟ چه ارتباطی بین مبارزه کارگران در هر جا بیک ما این حرکت وسیع و یکپارچه " موزمی وجود دارد ؟

بسیح . " گومه له وسپند " هیچ پاسخ مشخصی به این مسائل نمیدهند . هیچ حلقه رابطیسی بین " متنوع ترین اشکال مبارزاتی " کسب بین بلوک طرفدارش مسا " حرکت وسیع و یکپارچه " کارگران وجود ندارد . وقتی در برد این بلوک هیچ رابطه ای بین اشکال مبارزاتی در عرصه های مختلف میسازد ، نسائی وجود ندارد ، پس حرکت تنظیمی با رها نه ها ، نسکا سازی نشده ، سرگونی ... سرگونی سازی حکومت پیوسته برقرار نیست

بود . که اس عرصه ها مسل ارتکد کسری بررسی میسوزند " ثروت انسانی " چیزی تا کتیکهای را بیدار بپران نسبا دیگجه که هر کداسی را سای خود را دارد ، نسبیسی بر آیدند آنها یک هدف ، یک وظیفه اساسی دورا کنونی ، انقلاب را نشانه میسوزد . در مورد یک ساله مشخص ، ساله مقابلها " سیاست سیکار سازی های دولت " هم نمیتوان انتظار چندانی داشت که این بلوک مسلط دنیا له وویا رخصی خود محدودی نشاند .

" گومه له وسپند " در مقابل مشخص میسوزد آنجا که برای عمل و تاکتیک مشخص میسازد ، ساید ، طرفدار همه جیر هستند ، یعنی هر کس جیری ندارد . تنظیمی اند و در سطح این اشکال در حقیقت رفرمستیم

رایج میسوزد در مقابل ، آنجا که میسازد عام مطرح است ، ایسان که خود را مطرح میسازد ، تا کتیک مشخص نمیدانند و فقط بیان مجردات را بینه میکنند ، طالب انجسام و یکپارچگی مبارزه کارگران اند ، آنها البته بطور کلی .

نشریه کمونسیت بپرا یون صورت چنین سارزه محدود و مشخصی میسوزد : " باید یک اعتراض وسیع در سطح طبقه شکل بگیرد که هدفش را از دستور خارج کردن این سیاست دولت قرار داده باشد ... تعیین اهلی برای موفقیت در جلوگیری از تحطیل واحد های همین تیر همان شکل گیری وجود یک جریان اقدام و اعتراض وسیع کارگری علیه ایسان سیاست بطور کلی است " . ساله نیز در همین حالت ، " گومه له وسپند " " بطور کلی " خواهان " اقدام و اعتراض وسیع کارگری " و انجسام طبقه کارگرند و بطور مشخص - خواسته و نسبا خزانیت - طالب بیکارگویی و از هم کسختگی کارگران ! وجه تما بپرسی کمونسیتها و براسی نسبیای حرد و بیوزن و بپرد همیسی است . اولی نظری مشخص خواهان اقدام و اعتراض وسیع و مسجم کارگری است و برای اس بطور تا کتیکهای مشخص را مطرح میکند و سرگونی از سارزه که میسوزند نسبتا به طبقه اهلی ، کل اشکال مبارزاتی کارگران را در یک راستای بر سر میسوزند ، تا کتیک میکند ؛ و دومی ، یعنی سوسا لیتستیای حرد و بیوزن و فقط بطور کلی خواهان اقدام و اعتراض وسیع کارگران اند . برای ایسان عرصه های مشخص سارزه طبقاتی بپولتا ربا بدون بیوسد ساید سارزه کمیسه است و درک نمرد مشخصی نشانی نمیکنند که بیکارگویی اشکال سارزه که میسوزند بر سطح جنبش طبقه کارگر - و نه حرفا بپریک مشخص - باشد ، تا کتیک گورود

تسلکد سرمایه داری

وقتی روز افرو نود

عالمی به بیانی بالاتر ارفیست جساروی حرداری میسوزد . این مبارزات وسیع بخش ارتکالهای اساسی را خود بر عهده دارند و نسبتا عظمی کالای خریداری شده را در داخل کشور به تجارت رگانان تحویب میسوزند ، در حالی که در سطح وسیع ، تجارت سارزه در ایران و اسید در رژیم که در شکلهای چپ و راستیهای منعی ، سوزهای انجسام و ساروهیسا فعالیت میکند و از حمایت بسی در سطح دولت برخوردارند ، کالای را با گذراندن از مراحل گوناگون به گردش در میسوزند .

بر چنین زمینه ایست که بخش خدمات و سربزه تجارت و بر روز متورم تر میشود . سید ظوریکه " ارزش افزوده " این بخش فی المثل در سال ۶۲ به ۲۸۰۰ میلیارد تومان بالغ میسوزد و در مقابل کارگران و زحمتکاران روز سرور با فقر و فلاکت بیشتری دست بگریسان ... میسوزند . سید در کستان ، مدام با شین میسوزد ، اندر حال لکه هر سید ، صرف یک خانسوار بپری در سال ۶۲ ، ۸۰۰/۰۰۰ (هشتصد هزار ریال) و در سال ۶۳ ، ۱/۱۰۰/۰۰۰ (یک میلیون و سدهزار ریال) بر آورده میشود ، از درآمدهای روزانه ۶ تومانی محبت میسوزد ، ساید صرف سالیانه یک خانسوار شهری در سالهای ۶۱ و ۶۲ که در طول یکسال ۳۰۰/۰۰۰ (سید هزار ریال) افزایش نشان میدهد ، با توجه به اینکه سطح متوسط زندگی ارتقا نیافته است ، بیسنگارین اپز است که تنها طی سال ۶۱ تا ۶۲ ، قدرت خرید واقعی توده های مردم ۳۸ درصد کاهش یافته است . شامی این آمار را در این امر است که در آمد بخش کسری از توده های مردم ، چه فادنه عظمی حتی آن سطح درآمدی دارد که برای تامین ما محتاج اونسه وابستگی زندگی آنان لازم است

سطح سار را در درآمد سارم شده های مردم سار تا با انباشت ثروتها یا معده دست تعد قلبی از افراد بیسی سار ما به داران و همانا اشکل ترین بخش آن است ، بخش عقب مانده بیوزناری ، معاشب ناشی از نظام سار ما به دار که توده های مردم سار دست بگریسانند ، به سار سار تریس شکلی نشده گورود و سار جیاول سستر ارمانی سار شده است .



ظنی دو عملیات تهاجمی

پایگاههای "مام کاوی" و "مدرزه" در منطقه سردشت

توسط یمنیگان فدائی دوهیم کوییده شد

یمنیگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران روز ۲۱/شهرماه/۱۳۶۵ طی یک جوله سیاسی نظامی در مناطق پشت صحنه نیروهای جمهوری اسلامی، موفق شدند در سمن شبکه پایگاههای دشمن دو پایگاه سرگومبران، خلق کرد در موردتهاجم حورانه تبار داده و تلعفات و خساراتی به این پایگاهها وارد ساختند. این عملیات با هدایت یمنیگان ۴ سپهر ۶۲، رفقای فدایی، کاوه، اسکندروخی که در دفاع از مرکز هرسند، رادیویش سازمان توسط مانده خاش و شولندگر مدتی - شبانی شهادت رسیدند ابعام گرفت.

ساعت هفت و پانزده دقیقه بعد از شهریکندنته از رفقای یمنیگر پس از شناسایی دقیق و استقرار در نقاط مشرف به پایگاه "مام کاوی" تا کنون آتش سری نگهبان پایگاه عملیات خود را آغاز نمودند. پس از اولین شلیک و جلاکت رما بدن نگهبان پایگاه، یمنیگان فدائی سلاح های نیمه سنگین و مسلسل تک، مردوران مستقر در پایگاه و تاسسات و اشکات آنها را مورد تیررس مامکسیرامه مراد دادند. دشمن که از این حرکت سرفای یمنیگران دلبر فدایی سرانجامه زحمت ایستاده بود، میرانته و راهسلاحهای سنگین و هویزه خمپاره های تا سیالامه آشناری نقاط استقرار یمنیگران پرداخت که تلمیریم شدت گلوله ماراں ما هوشیاری وقت میل یمنیگران فدائی آسیبی به آنان وارد نگردد. یمنیگران پس از شلیک آخرین رگساره سرورمندانه و سالم به فرارگاه خود باز گشتند.

در همین روز دسته ای دیگر یمنیگران فدایی، پایگاه "مدرزه" را در دو مرحله و مفاصله کمترین ساعت پس از نیاجیم به پایگاه "مام کاوی" مورد تیررس فیرمانانه قرار دادند.

این عملیات در ساعت هشت رده دقیقه بعد از ظهر، با شلیک اولین موشک آر-بی - جی آغاز گردید. یمنیگران فدایی نخست نیروهای سرگومبران را که انتظار چنین حمله غافلگیرانه ای را نداشتند، هدف رگبار مسلسل های خود قرار دادند. مردوران رژیم پس از تحمل خسارت وارده، و جنب زده با سلاحهای سنگین و سیمه سنگین به آشناری منطقه شلمانی رسیسر شد. شبانی یمنیگر برداشته.

گلوله ماراں، طرفه پایگاه توسط نیروهای سرگومبران بگردد ای برده رگبار گمونه خان خمپاره به پایگاههای فدایی را مامد نمود و موجب شد آن آتش مردوران سبوی بگردد.

در ساعت هشت و نیمت - نیمه، یمنیگران فدایی با شلیک در سمن موشک آر-بی - جی در کنار مسلطن بخشی دیگسیراژ تا سسات پایگاه را هدف آتش خود قرار دادند. تیررس مجدد یمنیگران، نیروهای سرگومبران مستقر در این پایگاه و چندین پایگاه اطراف را مورد تیررس قرار دادند. بدون که از هر طرف منطقه شلمانی هدف سوب و خمپاره ماراں، مردوران سرور گرفت. که تا این وجهه یمنیگر خسارت جانی و مالی نهمراه نداشت.

یمنیگران فدایی پس از پایان این عملیات مشهورانه از نقاط استقرارشان عقب نشینی نموده و هشتی سالم به محل فرار خود مارفتند. ارسیران تلعفات و خسارات وارده به پایگاههای "مام کاوی" و "مدرزه" اطلاع میدی در دست نیست.

پیرو رما دیمش انقلاب خلق کرد

سرگومبران، یاد رژیم جمهوری اسلامی - سر قرار یاد جمهوری دمکراسیک خلق

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - سر قرار یاد جمهوری دمکراسیک خلق

مردوران سرور گرفت

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - سر قرار یاد جمهوری دمکراسیک خلق

گرامی یاد یاد فدائی کبیر رفیق محمدصادق آملی

کشته در طرف چپ ما در سال ۴۰ تن
از فدائیان را به نجات رساند، اما بسیاری
و گرفتارهای تبلیغاتی تراشیده در راه مبارزات
وارد شده با زمان راه انداخته بسپرد خود
بیاگر فراس و وحشت از فدائیان، اسب جمل
در هم کوبی اپورتونسم، بر ما سبده داری
انبرالیم بود. مرید ختم شرد بیکسر
تیربات وارد شده سازمان، اما زمانی
کدگی مبارزات بیکسروحماسی خود که بدین
در جنگلهای سبک افشا شده بود. و ما
احداثی انقلابی و مارکسیستی در پاسخ به
سازهای جنبش انقلابی اعتمادگرا رگبران
و زحمتگشان را جلب کرده اند، به رغم ضربات
هر چند خونبار از سوی رژیمهای دهنش
سرما به داری هرگز سقای بویا و روز منتهی
نمیدید سرخواه مند.

سازمانی که بر اساس مارکسیسم
سبب بنیان ما به با خرد سیستم تشکیلاتی
آن بر بنیان کاری جدید، انضباط پولادین،
اعتماد در رفیقانه متقابل و خود جمعی بنا شده
است. حتماً سازمانی ادامه کار خواهد بود و هر
تیردائی را به نجات رساند، اما بسیاری
و گرفتارهای تبلیغاتی تراشیده در راه مبارزات
وارد شده با زمان راه انداخته بسپرد خود
بیاگر فراس و وحشت از فدائیان، اسب جمل
در هم کوبی اپورتونسم، بر ما سبده داری
انبرالیم بود. مرید ختم شرد بیکسر
تیربات وارد شده سازمان، اما زمانی
کدگی مبارزات بیکسروحماسی خود که بدین
در جنگلهای سبک افشا شده بود. و ما
احداثی انقلابی و مارکسیستی در پاسخ به
سازهای جنبش انقلابی اعتمادگرا رگبران
و زحمتگشان را جلب کرده اند، به رغم ضربات
هر چند خونبار از سوی رژیمهای دهنش
سرما به داری هرگز سقای بویا و روز منتهی
نمیدید سرخواه مند.

ما مدلل با حبه بردن مستحکم و استوار در
خامل غرور لبرالسم به ما رده بر
سی خاست. از هرگز در طرفداری کتا تیکه
دما رلفوس های اساسی میدهد در دیدن خود را
سید ادوبک آن از بلایش تشکیلات غا نسل
سما ت.

ار حوضیات انقلابی خند تحلیل متفطن
از شرایط متفطن بود و بدون هیچگونه کزافه
سراشی ما بسپرد وظایف یک سازمان
مبتکم، منجم، منسبط غیر علنی و ادا مع کار
را اعتنا در رفیقانه متقابل و خرد جمعی
بنا است و سرخفت اپورتونست هسا و
لبرالیان رنگارنگ به اطمین سول جت که
تا بر ما لبرالسم در ترا تیک پروتزی می باشد.
برسان درک لیبسی از اساس
ما لبرالسم دمکراتیک است که میخوان از
سازمانی مستحکم، منجم، منسبط و ادا مع کار
بنیان سازمان بیس آهنگ پروتزی برای
رهبری جنبش کمونیستی و گراگری و تحقیق
سویا لبریم سخن گفت و حق پروتاریسهای
رزمیده و از روشنگران گرافه کسبوی
اپورتونست و لبرال جدا نمود.

ما لبرالیم دمکراتیک ما رگسیست
لبنیستی یک کل بهم بسپرده اش است که
و عدت اید شولوزیک، و عدت تشکیلات، و عدت
اراده و عمل در سازمانی که از تشکیلات
دا و طلبانه انقلابیون کمونیست متشکل
شده اند را ممکن میسازد. از این رو درک
دیبا لکتیکی دو جرم ما لبرالیم دمکراتیک
کمال اهمیت را دارد. درک انحرافی از اساس
دو جرم نه تنها با اعتنا انحراف از خط مشی
لبنیستی سازمانی بلکه ما لبرالیم دمکراتیک
پروتزی نیز خواهند.

ما لبرالیم با مرکزیت برای تشکیلات
بویژه تشکیلات کمونیستی نه بر کوسبسی
قهر آمیز سرما به داری و بریاشی جا مسمه
سویا لیبسی راه دت بر اراده است یک امر
حیاتی است. و دمکراسی لبنیستی برای تضمین
اینکه روشهای اتحاد دهنش برای اصول
خود جمعی با اعتدال لازم آرزوست.
ما لبرالیم دمکراتیک که اقتصاد
رفیقانه متقابل تجلی آن در سازمانهای
کمونیستی است یک کاسم رنده اش است
که سازمان را قادر میسازد ما روتنیسا و
تا کتیکهای صحیح را سرکزیب و عدت اراده
و عدت عمل را از طریق سمت انقلابیست
سازمانی را اکثریت سازمانی متفطن دارد.
اگر ارشاد ارکان است... لبرالسم در تراش
ار هم کسبده خود تدا... لبرالسم در تراش
اپورتونست ها در سازمان... لبرالسم در تراش
عزمه تشکیلات سازمانی... لبرالسم در تراش
مسوده دستر جمعی سازمانی... لبرالسم در تراش

درمان بحوا همدود، لبرالسم، معنا رس
علمه مرکزیت و خود سری، لبرالسمی از
ما لبرالیم دمکراتیک بحوا همدود، و حمید
انبرالیم برای جمل و سقای سازمان رزمیده
ضبقه کارگر با اعتدال دکان مل به اصول لبنیستی
سازمانی، هرگز به بی انضباطی و
لبرالسم تن در دنا دوا بر دیریت طلبان،
سواره ارپا لایش سازمانی، غفلت نورزید.
زیرا او خود مظهر اعتماد در رفیقانه و خود جمعی و
نظم و انضباط پولادین پروتزی بوده.

یادواره شهیدای سازمان

تلفیق همین جنبش کارگری ما جنبش
کمونیستی است که رفقای ما قهرمانان نهایی
خاستند و نسما ززه ای بی اما ن علیه خواب به
داری و ارتجاع و اپورتونسم بیکران حرب
شده خاش دست زدند. بگوئیم کمونیست وار
اهداف رفقایمان را بی گریه ما در رفقا
جانباخته فدائی رفقا:

- کاظم ■ غمراش
- محمد علی ■ خسروی اردبیلی
- بهمن ■ راست خدیو
- نسترن ■ آل آقا
- کلرخ ■ مهدی
- نادر علی ■ پورنغمه
- مارتیک ■ قازاریان
- نزهت السادات ■ روحی آهنگران
- غلامعلی ■ پورنغمه
- محمود ■ عظیمی بلوریان
- بداله ■ زارع کاربری
- دکتر نریمیا
- محمدرضا ■ قصاب آزاد
- علیرضا ■ الماسی
- مسعود ■ فرزانه
- محمد حسن ■ حقنوار
- یوسف ■ قانع خشک بجاری
- علانرضا ■ لایق مهرمانی
- طاهره ■ خرم
- مسگر ■ حسینی ایرده
- محمد مهدی ■ فوقانی
- غلامعلی ■ خراط پور
- علی اکبر ■ وزیری
- قاضی ■ حسینی
- محمدرضا ■ بنتری
- محمد ■ آریان
- سیراد ■ اسری دوان
- نصرانسادات ■ حسینی
- سادهد ■ احمد هاشمی
- سید ■ سوزکی
- علی ■ حبیبی

در همه



یادداشت‌های سیاسی

این مقاله به بررسی مسائل سیاسی و اجتماعی ایران در دوران پهلوی می‌پردازد. در ابتدا به تحولات سیاسی در دهه ۱۳۴۰ اشاره می‌کند و به نقش نهادهای مختلف در این فرآیند می‌پردازد. سپس به بررسی جنبش‌های دانشجویی و کارگری می‌پردازد و به نقش آنها در تحولات سیاسی اشاره می‌کند. در ادامه به بررسی سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی رژیم پهلوی می‌پردازد و به نقایص آنها اشاره می‌کند. در پایان به بررسی وضعیت ایران در دهه ۱۳۵۰ می‌پردازد و به نقش نهادهای مختلف در این فرآیند اشاره می‌کند.

این مقاله به بررسی مسائل سیاسی و اجتماعی ایران در دوران پهلوی می‌پردازد. در ابتدا به تحولات سیاسی در دهه ۱۳۴۰ اشاره می‌کند و به نقش نهادهای مختلف در این فرآیند می‌پردازد. سپس به بررسی جنبش‌های دانشجویی و کارگری می‌پردازد و به نقش آنها در تحولات سیاسی اشاره می‌کند. در ادامه به بررسی سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی رژیم پهلوی می‌پردازد و به نقایص آنها اشاره می‌کند. در پایان به بررسی وضعیت ایران در دهه ۱۳۵۰ می‌پردازد و به نقش نهادهای مختلف در این فرآیند اشاره می‌کند.

که برای این مطالب به نظر می‌رسد که باید به بررسی مسائل سیاسی و اجتماعی ایران در دوران پهلوی پرداخت. در ابتدا به تحولات سیاسی در دهه ۱۳۴۰ اشاره می‌کند و به نقش نهادهای مختلف در این فرآیند می‌پردازد. سپس به بررسی جنبش‌های دانشجویی و کارگری می‌پردازد و به نقش آنها در تحولات سیاسی اشاره می‌کند. در ادامه به بررسی سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی رژیم پهلوی می‌پردازد و به نقایص آنها اشاره می‌کند. در پایان به بررسی وضعیت ایران در دهه ۱۳۵۰ می‌پردازد و به نقش نهادهای مختلف در این فرآیند اشاره می‌کند.

این جنبش جناح و تقسیم آن را باید به بررسی مسائل سیاسی و اجتماعی ایران در دوران پهلوی پرداخت. در ابتدا به تحولات سیاسی در دهه ۱۳۴۰ اشاره می‌کند و به نقش نهادهای مختلف در این فرآیند می‌پردازد. سپس به بررسی جنبش‌های دانشجویی و کارگری می‌پردازد و به نقش آنها در تحولات سیاسی اشاره می‌کند. در ادامه به بررسی سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی رژیم پهلوی می‌پردازد و به نقایص آنها اشاره می‌کند. در پایان به بررسی وضعیت ایران در دهه ۱۳۵۰ می‌پردازد و به نقش نهادهای مختلف در این فرآیند اشاره می‌کند.

در این مقاله به بررسی مسائل سیاسی و اجتماعی ایران در دوران پهلوی می‌پردازد. در ابتدا به تحولات سیاسی در دهه ۱۳۴۰ اشاره می‌کند و به نقش نهادهای مختلف در این فرآیند می‌پردازد. سپس به بررسی جنبش‌های دانشجویی و کارگری می‌پردازد و به نقش آنها در تحولات سیاسی اشاره می‌کند. در ادامه به بررسی سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی رژیم پهلوی می‌پردازد و به نقایص آنها اشاره می‌کند. در پایان به بررسی وضعیت ایران در دهه ۱۳۵۰ می‌پردازد و به نقش نهادهای مختلف در این فرآیند اشاره می‌کند.

این مقاله به بررسی مسائل سیاسی و اجتماعی ایران در دوران پهلوی می‌پردازد. در ابتدا به تحولات سیاسی در دهه ۱۳۴۰ اشاره می‌کند و به نقش نهادهای مختلف در این فرآیند می‌پردازد. سپس به بررسی جنبش‌های دانشجویی و کارگری می‌پردازد و به نقش آنها در تحولات سیاسی اشاره می‌کند. در ادامه به بررسی سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی رژیم پهلوی می‌پردازد و به نقایص آنها اشاره می‌کند. در پایان به بررسی وضعیت ایران در دهه ۱۳۵۰ می‌پردازد و به نقش نهادهای مختلف در این فرآیند اشاره می‌کند.

۲- اتکاء به خدا یا به دلارهای نفتی

عقیده ملی‌گرایانه در جمع فرماندندان ارتش و سپاه به این شکل بیان می‌گردد که رژیم با آن دست به گریبان است، بلکه ما توانایی حکومت در مقابل ستم‌گزاران را داریم. این عقیده در واقع نوعی اتکاء به خداست. اما آیا اتکاء به خدا واقعاً می‌تواند به عنوان یک راه‌حل برای مشکلات ایران عمل کند؟

این مقاله به بررسی مسائل سیاسی و اجتماعی ایران در دوران پهلوی می‌پردازد. در ابتدا به تحولات سیاسی در دهه ۱۳۴۰ اشاره می‌کند و به نقش نهادهای مختلف در این فرآیند می‌پردازد. سپس به بررسی جنبش‌های دانشجویی و کارگری می‌پردازد و به نقش آنها در تحولات سیاسی اشاره می‌کند. در ادامه به بررسی سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی رژیم پهلوی می‌پردازد و به نقایص آنها اشاره می‌کند. در پایان به بررسی وضعیت ایران در دهه ۱۳۵۰ می‌پردازد و به نقش نهادهای مختلف در این فرآیند اشاره می‌کند.

